

سخن سردبیر

بنابر نتایج نخستین سرشماری که در سال ۱۳۰۲ انجام گرفت، جمعیت عشایر حدود یک سوم جمعیت ایران بود. علی‌رغم این‌که در آخرین سرشماری - پس از حدود ۷۵ سال (در سال ۱۳۷۷) - سهم عشایر از جمعیت ایران به حدود دو درصد کاهش یافته است؛ ولی جایگاه این شیوه‌ی زیستی در شکل‌گیری فرهنگ ایران زمین انکارناپذیر است.

اگرچه شکل‌گیری دولت مدرن و شبه‌مدرن در ایران و ایجاد ارتش ملی، از کارکرد نظامی عشایر کاسته است؛ ولی بررسی نقش نظامی‌گری عشایر در پهنه‌ی تاریخ نشان می‌دهد که ایشان همواره در دسته‌های منظم سازمان‌دهی شده و براساس سلسله مراتب ایلی، حفاظت فیزیکی از مرزهای ایران را بر عهده گرفته‌اند. به‌طوری‌که مروری بر جنگ‌های تاریخ ایران - از صفویه تاکنون - نشان می‌دهد که افتخار مرزداری و مسؤولیت سنگین آن همیشه متوجه مردان غیور عشایر بوده است.

نه تنها در حوزه‌ی نظامی، بلکه در حوزه‌ی سیاسی نیز کارکرد مرزداری عشایر کاملاً نمایان است؛ به‌طوری‌که بسیاری از سلسله‌های حکومتی ایران یا منشأ عشایری داشته‌اند یا عشایر در حفظ و تقویت آن‌ها کوشیده‌اند (صفویه نمونه‌ی بارز این سلسله‌هاست) و شاید جز مواردی استثنایی این قاعده در تشکیل همه‌ی سلسله‌های ایرانی جاری است.

علاوه بر مرزبانی سیاسی و جغرافیایی، عشایر مرزبانان فرهنگی قدرتمندی نیز محسوب می‌شده‌اند، به‌طوری‌که ایلات و طوایف ایرانی با هر گویش و لهجه‌ای حامل فرهنگ اصیل ایران زمین بوده‌اند و اسطوره‌های ایرانی شاهنامه، شرح حال زندگی سرداران عشایر است که با یاد رستم و سهراب و سیاوش و کی‌خسرو جنگاوری و اخلاق و پاکی را به نمایش گذاشته‌اند.

هر چند فشارهای غیرمعقول حکومت پهلوی برای یکجانشین کردن و تشکیل دولت مدرن باعث شده برخی هویت‌های محلی در تعارض با هویت ملی مطرح شود؛ ولی توده‌ی عشایر همیشه پاسداران هویت ملی و به تعبیری نخایر فرهنگی این مرز و بوم محسوب می‌شده‌اند.

آداب و رسوم و مناسکی که در عشایر جریان دارد نمونه‌های اصیل از مناسکی است که در ایران باستان جریان داشته و تاکنون تداوم یافته‌اند. موسیقی ایران را در سرودهای حماسی و

لایلی‌های احساسی مادران عشایر می‌توان دید، حتی پوشش ظاهری عشایر که در لباس و آرایش مردان و زنان تداوم یافته است با زبانی نمادین بازگو کننده‌ی فرهنگ این مرز و بوم از گذشته‌های دور می‌باشد.

عشایر در یک کلام حاملان عناصر اصلی شاخص هویت ایرانی هستند؛ شاهسون و قشقایی یا بختیاری و شِکاک یا هرکی، کرمانج و بنوعم یا شبانکاره و بویراحمدی و سرخی و نارویی بودن هر کدام پرتوی از قوس و قزح هویت ایرانی است.

با عنایت به جایگاه عشایر در تاریخ ایران و تحولات واقعه در شیوه‌ی زیست آن طی دهه‌های اخیر فصلنامه‌ی مطالعات ملی در حد بضاعت خود در این حوزه فتح بابی نموده است، باشد که یاری اصحاب اندیشه و قلم تداوم دهنده‌ی این راه میمون و مبارک باشد.